

عدالت اجتماعی

نه خیلی دور؛ نه خیلی نزدیک

سیاست‌گذاران به منظور تحقق عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها و تخصیص بهینه منابع تصمیم دارند طرح هدفمند کردن یارانه‌ها را اجرا کنند. طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، یا به عبارتی اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، پس از سالها از مرحله «تجویز نظری» به «وادی عملی» نزدیک می‌شود. این برنامه یا طرح از جمله ایده‌هایی است که طی سه دهه همه سیاسیون و خبرگان اقتصادی بر اجرای آن توافق نظر داشته‌اند.

به بیان ساده‌تر، با وجود تفاوت در دیدگاه‌های سیاسی احزاب، تغییر اساسی در شیوه پرداخت یارانه‌ها، از اولویت‌های اقتصادی تمام گرایش‌های سیاسی و اقتصادی در جامعه ایرانی بوده است.

با وجود این، مهمترین اولویت اقتصادی کشور، همواره دلیل واهمه دولت‌ها از بروز تبعات اجتماعی و اقتصادی گسترده، به آینده نامعلوم احاله شده است. حال گویا زمان آینده فرارسیده است.

مهمترین نگرانی که در رابطه با دستکاری یا اصلاح اساسی در پرداخت یارانه‌ها وجود دارد، بروز تکانه‌های حتمی تورمی در اقتصاد کشور است. با وجود آنکه برآوردها و نرخ‌های متفاوتی در خصوص سطح افزایش قیمت‌ها، بعد از اجرای این طرح عنوان می‌شود، اما بدلیل عوامل متعدد اقتصادی، احتمالاً نرخ تورم فراتر از آن چیزی که پیش‌بینی می‌شود، در آینده‌های چندین دور افزایش خواهد یافت. (در این شماره تحلیلی با عنوان «طالع بینی قیمت‌ها» به طور مبسوط به این موضوع اشاره دارد.) از این رو احتمال بروز آسیب‌های اجتماعی ناشی از اجرای این طرح حتی با پرداخت یارانه‌های هدفمند بویژه در اقتصاد دهک‌های درآمدی پائین جامعه بسیار جدی است. بطور مستقیم بروز چالش اجتماعی ناشی

از شوک‌های تورمی و «اثر آبخاری» واقعی کردن قیمت‌هاست. اثری که تاثیر مضاعف رشد قیمت‌ها را تدنیل دارد. جدای از آثار تورمی ناشی از حذف یارانه‌ها در این برهه، پرداخت نقدی آنها به اقشار آسیب‌پذیر (گروه‌های هدف) نیز خود به تنهایی از جمله عوامل تشدید تورم است. در این میان نمی‌توان انتظارات تورمی ناشی از اجرای طرح را نادیده گرفت. واکنش بازارها به افزایش قیمت‌های متأثر از اصلاح قیمت‌ها، با توجه به رکود حاکم بر بازارها (وضعیت رکود در بازارها در بخش «گزارش از بازارها» بطور مشروح آمده است). نیز از جمله عواملی است که تحلیل وضعیت آینده را پیچیده کرده است. با وجود تمام دشواری‌های که بر سر اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها قرار دارد، اما به نظر می‌رسد که در وضعیت کنونی، مجریان چاره‌ای جز اجرای آن نداشته‌اند. محدود بودن منابع مالی پایان‌پذیری حساب ذخیره ارزی، کاهش درآمدهای نفتی، تشدید تقاضا یا رشد مصرف حامل‌های انرژی، تعویق در اجرای طرح‌های انرژی، افزایش تهدیدهای خارجی، فشار برای تنگ‌تر کردن حلقه تحریم‌های بنزین علیه ایران، کسری بودجه و مسواری نظیر این از جمله دلایل تن دادن به اجرای طرحی است که از آن به عنوان «جراحی اقتصاد ایران» یاد می‌شود.

فراتر از تهدیدات مزبور، اگرچه اجرای این طرح، دارای توجیهات فنی و اقتصادی است، (معاونان وزارت بازرگانی و نفت در گفت‌وگو با خبرنگاران ما بخشی از دلایل و الزامات و آثار مطلوب اجرای طرح را بازگو می‌کنند.) اما با این حال کارشناسان توصیه می‌کنند که این برنامه مهم اقتصادی در مقاطعی اجرا شود که اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی دولت در بالاترین سطح

ممکن قرار داشته باشد. چرا که اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی باارزشی برای اجرای آسان، روان و کم‌هزینه چنین طرحی است.

به نظر می‌رسد در این موقعیت دولت باید بطور شفاف سیاست و برنامه خود را برای هدفمند کردن یارانه‌ها برای مردم تشریح کند. از سوئی، مجریان برای دستیابی به اهداف کمی برنامه باید از هرگونه اقدام و تصمیم شتابزده که آثار تبعی نامطلوب (حتی کوتاه مدت) طرح را دوچندان می‌کند، پرهیزند. شتابزدگی در جراحی کوچکترین عضو و پیکره یا بافت اقتصادی جامعه (به‌عنوان نمونه مالیات بر ارزش افزوده) عواقب (دردهای عمومی) جبران‌ناپذیری داشته، حال که تغییر در نحوه پرداخت سوسیپدها جای خود را دارد.

بنابراین در این مقطع مهم، نمایندگان مردم در مجلس نقش بسزائی در تنظیم کیفیت و کمیت رویکردهای عملیاتی مجریان طرح دارند. آنها بواسطه نمایندگی و وکالت و کلا خویش، نباید اجازه دهند که تغییرات نسنجیده قیمت‌ها، فشار بر دهک‌های کم درآمد جامعه را آن‌گونه افزایش دهد که اصل، بنیان و ماهیت حیات اجتماعی چالش‌کشیده و به حاشیه و فرغ موضوع تبدیل شود. دولت نیز باید با اتخاذ اقدامات تأمینی و حمایتی نظیر تلاش برای اصابت پرداخت‌های انتقالی به گروه‌های هدف، تقویت نظارت و تنظیم بازار بعد از آزاد سازی قیمت‌ها و از همه مهمتر اتخاذ سیاست‌های مناسب اقتصادی برای اجرای صحیح چنین طرحی بکوشد.